

آینه

لغت

سکوت و فحش خوری

● **محمدرضا عارف:** ما نمی‌خواهیم مسائل درون‌تشکیلاتی را خیلی مطرح کنیم. انسجام برای ما خیلی مهم است. برای اینکه انسجام حفظ شود، سکوت، تحمل، سعه صدر و بعضاً فحش خوری را یک اصل می‌دانیم....
انشاع [در اصلاح‌طلبان] اتفاق نمی‌افتد. من مطمئنم. این لیست‌های جداگانه که دادند، تکلیف را روشن کرد. چراکه بالاترین رأیی که به دست آوردند، کمتر از صدهزار رأی بود....[در فراسکون امید] گاهی موضعی که یک نفر می‌گیرد، کاملاً هماهنگ شده است. مثلاً کاری که خانم سعیدی با ۲ نفر از دانشجویان متخصن ستاره‌دار انجام داد، تصمیم فراسکون و با هماهنگی ما بود....ما نمی‌خواهیم رویکردمان را فردی کنیم. نمی‌خواهیم کل فراسکون به دو، سه نفر محدود شود. به همین دلیل ببینید، در همه مسائل حضور ما کاملاً حضور توزیع شده است... در مورد دوستان مطبوعاتی پیگیری‌هایی که انجام دادیم شما و دوستانتان مطمئناً اطلاع دارید. از طرفی از نظر پیگیری مطالبات زندانیان و گروه‌های دیگر، با رئیس محترم قوه قضائیه جلسه خیلی خوبی داشتیم و رابط معین کردیم... مثلاً برای دانشجویان الان کارگروهی داریم. یک مسئولی دارد و چهار، پنج نفر از دوستان هم در آن عضویت دارند که چالش‌ها و بحث‌های دانشجویان را دنبال می‌کنند. اکنون بحث جدی درمورد پایان‌دادن ماجرای ستاره‌دارها جزء برنامه و دستور کار ماست و من در شهرکرد، موضع فراسکون را اعلام کردم که اصلاً باید پرونده آن به استناد آیین‌نامه‌ها و قوانین بسته شود.... در مورد حصر هم کارگروه ما موضوع را به‌صورت جدی پیگیری می‌کند... همین بحث حذف اعدام، در مورد محکومین مواد مخدر اگر فقط رأی فراسکون امید به‌تتهایی بود، رأی نمی‌آورد. اینطور بهتر است یا اینکه اصرار داشته باشیم اسم فراسکون بیاید؟ بحث حصر را که همواره دنبال می‌کردیم. برای اینکه جدی‌تر دنبال کنیم، کمیته‌ای تشکیل شد و پیگیری‌ها را دنبال می‌کند و روند قابل قبولی را داریم. امیدواریم با نگاه مثبتی که به حل این مسئله وجود دارد هر چه سریع‌تر این مسئله حل شود. به نظرم در مقاطعی نزدیک‌تر به مسئله [حصر] شده بودیم اما سیاسی و رسانه‌ای‌شدن مسئله، منجر به کندشدن روند پیشرفت آن شد. من واقعا با نگاه ملی و اعتقادی، فکر می‌کنم باید خیلی زودتر مسئله حصر حل می‌شد و الان هم در شده است.

کیمیا

● **فتنه و ضرورت هشیارا!**

● تحلیل دقیق هفته گذشته رهبر معظم انقلاب از فتنه و آشوب‌های اخیر شاید نیاز به ده‌ها مقاله و نشست تخصصی داشته باشد تا زوایای آن تبیین شود... بعد از آشوب‌های اخیر برخی از جریانات سیاسی‌که به تعبیر رهبری «دوست‌دارن با آمریکا پیوند نخوردند»، به کمک برخی چهره‌های بااصطلاح روشنفکری و دانشگاهی تلاش کردند از یک طرف مشکلات اقتصادی مردم را انکار کنند و از سوی دیگر همچون فتنه ۸۸ نقش آمریکا را در طراحی فتنه ۹۶ نادیده بگیرند... آمریکا و رژیم صهیونیستی و عربستان در راهبرد جدید خود برای سرپوش گذاشتن بر شکست‌های پی‌درپی خود در منطقه و تحت‌الشعاع قراردادن پیروزی‌های محور مقاومت و «سیاست درست جمهوری اسلامی»، دو سناریوی مکمل هم یعنی «الله‌تاکار آمدنی نظام و آشوب» در ایران را در دستور کار خود قرار دهند.
چنانکه در روزهای اخیر رسانه‌های منطقه روی این مطلب اتفاق نظر داشتند که «این بی‌ثباتی‌ها در واقع مجازات ایران به‌خاطر ایجاد امنیت در منطقه در راستاژژی ضدآمریکایی بوده، به‌ویژه که شکست آمریکا و هم‌پیمانانش در سوریه به نماد رسوایی آنها تبدیل شده است».

تاریخ

● **تیم احمدی‌نژاد در پی چیست؟**

● مشایی با نوشتن یک یادداشت در کانال تلگرامی‌اش وقایع ایران را با سال‌ل ۵۷ مقایسه کرد. او دی ۵۶ را با ۹۶ همتراز گرفته است و در حالتی «بیشگوانه» خواستار «عذرخواهی» و «قبول خطاهای حاکمیتی» شده است تا سرنوشت تکرار نشود. این اولین بار نیست که آنها این تحلیل را ارائه می‌کنند. به اعتقاد این تیم «نظام جمهوری اسلامی در سال پایانی خود قرار دارد»... این تحلیل جدید را اولین بار در روزی که مشایلی از دادگاه برگزشت در ویدئویی که برای مخالفت با جریان دادگاهش منتشر شده بود، شنیدیم. جایی که گفت: «به قاضی پرونده هشتک: اتهامات را خوش خط بنویس. چون سال آینده همه اینها به دست مردم می‌افتد؛ همان‌طور که اسناد لانه جاسوسی یک سال بعد از انقلاب ۵۷ به دست مردم افتاد». [مشایلی امروز را با سال پایانی رژیم پهلوی مقایسه کرده می‌نویسد: «باید به این نکته توجه داشت که اگر شاه در ۲۶ دی ماه ۵۶، با قبول اشتباهات و خطاهای دستگاه حکومتی از مردم عذر می‌خواست و به اصلاح امور همت می‌کرد، شاید دیگر ناچار نمی‌شد در ۱۶دی‌ماه از کشور بگریزد»! سؤال این است: منظور مشایلی از کسی که باید همچون «شاه»، «اشتباهات و خطاهای دستگاه حکومتی» را بپذیرد و «از مردم عذرخواهی» کند، قبل از آنکه «از کشور بگریزد» کیست؟

politics@sharghdaily.ir

«عباس ملکی»، اولین نماینده ایران در مذاکرات خزر، در گفت‌وگو با «شرق»:

برای تقسیم خزر عجله نکنیم

براساس فرمول موجود، سهم ایران حدود ۱۳/۶ درصد می‌شود



عباس ملکی، نماینده ایران در مذاکرات خزر، در گفت‌وگو با «شرق»

زینب اسماعیلی: با طرح مباحثی درباره سهم ایران از خزر، نگرانی‌ها درمورد آنچه روی میز مذاکراتی این دریا با دریاچه می‌گذرد، افزایش یافته است. چندی پیش معاون وزیر خارجه گفت سهم ایران از خزر ۲۰ درصد نیست؛ اگرچه او به اینکه بیشتر از این عدد است یا کمتر هم اشاره‌ای نداشته‌ است اما این جمله از دیدگاه بسیاری به معنی کم‌تر بودن سهم ایران انگاشته شد.
ابراهیم رحیم‌پور در مصاحبه دیگری گفت مگر خزر هندوانه است که به پنج قسمت مساوی تقسیم شود؟ همین اظهارات نگرانی‌ها را افزایش داد. مذاکرات خزر در دومین دهه به سر می‌برد، اما هنوز خبری از تعیین رژیم حقوقی خزر منتشر نشده؛ این در حالی است که دراین رژیم قرار است سهم کشورها از بستر و زیربستر دریا (به‌ویژه منابع نفت و گاز) معلوم شود. نگرانی زمانی شدت پیدا می‌کند که دو همسایه ضلع شمالی خزر یعنی روسیه و قزاقستان، خزر را براساس فرمول خودشان تقسیم کرده و قرار است ایران با دو همسایه هم‌تراز در خزر (یعنی جمهوری آذربایجان و ترکمنستان) مذاکرات دو جانبه‌ای داشته باشد. همه اینها می‌تواند نگرانی‌ها را بیشتر از پیش کند.
با «عباس ملکی» که از اوایل مذاکرات خزر با جمهوری‌های شمالی، در تیم مذاکره‌کننده ایران حضور داشته، در همین زمینه گفت‌وگو کرده‌ایم. او به موضع پنج کشور مذاکره‌کننده در این‌باره پرداخت و همین توضیحات نشان می‌دهد نگرانی‌ها در این زمینه کم‌نیست. ملکی معتقد است در شرایط فعلی از همه مزایای وجود یک رژیم حقوقی در خزر برخور داریم، پس نیازی نیست برای رسیدن به توافق در مذاکره عجله کنیم. او معتقد است بهتر است اول مسائلمان را در جنوب حل کنیم و بعد دنبال حل مسئله خزر باشیم.

مصنوعی است و دومی در اکثر اوقات یخ‌زده است، بنابراین خزر یک دریاچه است و هیچ راهی به دریای آزاد ندارد، همسایه‌ها باید بنشینند و بین خودشان به یک رژیم حقوقی متفق‌الیه برسند.

● **شما اولین نماینده ایران در مذاکرات خزر بودید.**

طریق چه چیزی در مورد بحث دریا با دریاچه می‌گویند؟

مذاکرات از سال ۱۹۹۲ شروع شد و من تا سال ۱۹۹۶ نماینده ایران در این مذاکرات بودم. از آن زمان تا حالا جمهوری آذربایجان و قزاقستان مایل هستند که اینجا دریاچه نامیده و بنابراین تقسیم شود. آقای نیازاف از طرف جمهوری ترکمنستان می‌گفت هر چه روسیه و ایران بگویند، روسیه در ابتدا می‌گفت این یک دریای مشترک است و بهتر است همان رژیم حقوقی گذشته منطبق بر ششم مارس ۱۹۲۱ (یعنی پیمان مودت مابین جمهوری شوروی سوسیالیستی روسیه و دولت ایران) باشد. یعنی چند روز بعد از آمدن رضاخان از قزوین به تهران و کودتا. روس‌ها از سال ۹۲ تا ۹۶ حرف‌شان این بود که بهتر است به معاهدات گذشته رجوع کرد. یک توافق‌نامه هم در سال ۱۹۴۰ بین ایران و اتحاد شوروی وجود دارد به نام «موافقت‌نامه بحری‌مبای و تجارت در دریای خزر مابین اتحاد شوروی و ایران». در هردوی اینها گفته می‌شود که این دریا با دریاچه، دریایی مشترک است که هر دو کشور می‌خواهند از آن استفاده کنند. بنابراین رژیم حقوقی‌ی ناظر بر حمل‌ونقل

و دسترسی بدون قید و شرط هر دو کشور به بنادر یکدیگر و شلیات هر دو کشور دایر است و هر کشور هر قدر می‌تواند بر داشت کند.
● **سعی کلمه کلیدی‌ی این توافق‌نامه این است که این دریا مشاع است.**
آن موقع فقط سه موضوع وجود داشت؛ حمل‌ونقل، شلیات و فضای ماورای آب که در آن نوشته شده است هر دو کشور می‌توانند از آن استفاده کنند و ترتیباتی که فرودگاه‌های تهران و تفریس و تاشکند چطور نظارت کنند، در آن آمده است. مسئله محیط زیست، نفت و منابع فسیلی بستر دریای خزر هم اصلا مطرح نبود. گویانکه از سال ۱۹۴۵ به بعد ابتدا شوروری در بخش خودش - این مفهوم خودش هم یک موضوع است- برای تقسیم‌کار بین جمهوری‌های داخل خود نقشه‌ای برای دریای خزر تهیه کرده بود که هر جمهوری شوروی چه بخش‌هایی از دریای خزر را از لحاظ نفتی توسعه دهد. یعنی تقسیم‌کار بین جمهوری آذربایجان، داغستان، کاباردین-بالکار، قزاقستان و ترکمنستان. این نقشه تا نزدیک یک خط فرضی که مرز ایران و شوروی را در غرب دریاچه یعنی رودخانه قزل‌سو و به مرزهای شرقی ایران و شوروی یعنی خلیج حستقلی وصل می‌کرد، توضیح داده بود؛ مثلاً باکو را مسئول اکتشاف غرب دریای خزر کرده است، ماخاچ‌قلعه در داغستان با کاباردین-بالکار را مسئول شمال و ترکمنستان را مسئول جنوب کرده است. پس روح حاکم بر این دو قرارداد مشاع است. ما با هم کار می‌کنیم و با هم مسئله‌ای نداریم.

● **با این‌حال ما در موارد زیادی در واکنش به روس‌ها کوتاه آمده و به اندازه آنها از حقوقمان در خزر برداشت نکرده‌ایم.**

بله، ایران پس از خارج‌شدن نیروهای نظامی و دسترسی بدون قید و شرط هر دو کشور به بنادر یکدیگر و شلیات روس‌ها از آن زمان تا حالا جمهوری آذربایجان و قزاقستان مایل هستند که اینجا دریاچه نامیده و بنابراین تقسیم شود. آقای نیازاف از طرف جمهوری ترکمنستان می‌گفت هر چه روسیه و ایران بگویند، روسیه در ابتدا می‌گفت این یک دریای مشترک است و بهتر است همان رژیم حقوقی گذشته منطبق بر ششم مارس ۱۹۲۱ (یعنی پیمان مودت مابین جمهوری شوروی سوسیالیستی روسیه و دولت ایران) باشد. یعنی چند روز بعد از آمدن رضاخان از قزوین به تهران و کودتا. روس‌ها از سال ۹۲ تا ۹۶ حرف‌شان این بود که بهتر است به معاهدات گذشته رجوع کرد. یک توافق‌نامه هم در سال ۱۹۴۰ بین ایران و اتحاد شوروی وجود دارد به نام «موافقت‌نامه بحری‌مبای و تجارت در دریای خزر مابین اتحاد شوروی و ایران». در هردوی اینها گفته می‌شود که این دریا با دریاچه، دریایی مشترک است که هر دو کشور می‌خواهند از آن استفاده کنند. بنابراین رژیم حقوقی‌ی ناظر بر حمل‌ونقل و دسترسی بدون قید و شرط هر دو کشور به بنادر یکدیگر و شلیات هر دو کشور دایر است و هر کشور هر قدر می‌تواند بر داشت کند.
● **سعی کلمه کلیدی‌ی این توافق‌نامه این است که این دریا مشاع است.**
آن موقع فقط سه موضوع وجود داشت؛ حمل‌ونقل، شلیات و فضای ماورای آب که در آن نوشته شده است هر دو کشور می‌توانند از آن استفاده کنند و ترتیباتی که فرودگاه‌های تهران و تفریس و تاشکند چطور نظارت کنند، در آن آمده است. مسئله محیط زیست، نفت و منابع فسیلی بستر دریای خزر هم اصلا مطرح نبود. گویانکه از سال ۱۹۴۵ به بعد ابتدا شوروری در بخش خودش - این مفهوم خودش هم یک موضوع است- برای تقسیم‌کار بین جمهوری‌های داخل خود نقشه‌ای برای دریای خزر تهیه کرده بود که هر جمهوری شوروی چه بخش‌هایی از دریای خزر را از لحاظ نفتی توسعه دهد. یعنی تقسیم‌کار بین جمهوری آذربایجان، داغستان، کاباردین-بالکار، قزاقستان و ترکمنستان. این نقشه تا نزدیک یک خط فرضی که مرز ایران و شوروی را در غرب دریاچه یعنی رودخانه قزل‌سو و به مرزهای شرقی ایران و شوروی یعنی خلیج حستقلی وصل می‌کرد، توضیح داده بود؛ مثلاً باکو را مسئول اکتشاف غرب دریای خزر کرده است، ماخاچ‌قلعه در داغستان با کاباردین-بالکار را مسئول شمال و ترکمنستان را مسئول جنوب کرده است. پس روح حاکم بر این دو قرارداد مشاع است. ما با هم کار می‌کنیم و با هم مسئله‌ای نداریم.

● **با این‌حال ما در موارد زیادی در واکنش به روس‌ها کوتاه آمده و به اندازه آنها از حقوقمان در خزر برداشت نکرده‌ایم.**

بله، ایران پس از خارج‌شدن نیروهای نظامی

شوروی از ایران و قضیه فرقه دموکرات در دهه ۱۳۲۰ خیلی سر به سر شوروی نمی‌گذاشت و از همه حقوق خود استفاده نمی‌کرد. با اینکه سال ۱۹۲۴ کنفرانس تهران در قلمک تهران برگزار شد و آقای چرچیل، آقای استالین و آقای روزولت با هم توافق کردند به محض اینکه جنگ با آلمان‌ها تمام شود، از ایران خارج گفت، آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها خارج شدند، ولی روس‌ها باقی ماندند و جمهوری آذربایجان جنوبی را درست کردند و جعفر پیشه‌وری را رئیس با کمیسر آنجا کردند. دولت ایران هرکاری که می‌کرد نمی‌توانست مانع شود تا اینکه آقای قوام از آنها پرسید چرا شما خارج نمی‌شوید، ساد جیکف سفیر شوروی در تهران گفت، آقای استالین می‌گویند همان‌طور که امتیاز نفت جنوب را به انگلیسی‌ها دادید، امتیاز نفت شمال را به ما بدهید. قوام قبول کرد و قرارداد نوشتند ولی در قرارداد نوشتند که این را باید مجلس هم تصویب کند. نیروهای روس از آذربایجان ایران خارج شدند، ولی مجلس آن را قبول نکرد و ملی‌شدن نفت از اینجا شروع شد. از اینجا دولت ایران فهمید هرگونه اکتشاف و استخراج نفت و گاز در شمال کشور ممکن است موجب حساسیت اتحاد شوروی شود. بنابراین از این حقوق استفاده نکردیم. در عرصه نظامی هم با اینکه در قراردادها آمده که می‌توانیم از بنادر دو طرف استفاده کنیم، ولی از این حق استفاده نمی‌کردیم، همیشه وقتی نیروی نظامی‌مان می‌خواست از آستارا

بالاتر برود، یک افسر نظامی روس روی عرشه بود. نکته این است که شما حقوقی دارید. فارغ از اینکه از این حقوق چقدر استفاده کنید یا نکنید، شما آن حقوق را دارید. اشتباه جمهوری آذربایجان این است که می‌گوید این دریاچه در دست خودشان است. بنابراین از این حقوق استفاده نکردیم. وزیر خارجه جمهوری آذربایجان بوده، این حرف را بر اساس نقشه اتحاد داخلی شوروی می‌زند که برای تقسیم منابع نفتی و اکتشاف برای خودشان طراحی کردند. از لحاظ حقوقی هم می‌گوید چرا وقتی کشتی نظامی‌تان برای اینکه از آب‌های آستارا بالاتر برود، یک افسر روسی به نام روی عرشه کشتی؟ وقتی ما کنار خرسی به آن بزرگی بودیم، مجبور بودیم به این مراعات‌ها. آن زمان مسائل نفتی هم خیلی برای ایران مهم نبود. حتی الان هم که صحبت می‌کنیم، هزینه استخراج یک بشکه نفت خام در دریای خزر پنج برابر هزینه استخراج یک بشکه نفت خام در جنوب است. معلوم است آن را که ازران‌تر است، از آن استخراج می‌کنیم.

● **خاب‌خین موضع جمهوری آذربایجان است، قزاقستان چه موضعی دارد؟**
کشور قزاقستان می‌گوید بایلیه به حقوق بین‌الملل دریاها بریداریم. حقوق بین‌الملل دریاها در یک جاهایی که مسئله خیلی تش‌ش را می‌شود، از چیزی به نام خط منصف استفاده کرده است. خط منصف یعنی نقاطی را از بالا تا پایین به هم وصل کنید و وسط آنها را در نظر بگیرید. بنابر پیشنهاد قزاقستان که می‌گوید از حقوق دریاها استفاده کنیم، محدوده آب‌های سرزمینی ایران، چیزی حدود ۱۳/۶ درصد می‌شود. محدوده آب‌های سرزمینی قزاقستان هم حدود ۲۸/۴ درصد می‌شود، چون ساحل این کشور حالت محدب و ساحل ما حالت مقعر دارد. بر اساس خط منصف، چون ساحل قزاقستان

بیش از سایر کشورهاست، حاکمیت بر آب‌های بیشتری از خزر را عهده‌دار می‌شود.
● **موضع پیشنهاد خود روسیه چه بود؟**
موضع فدراسیون روسیه اول روی مشاع بود. بعد وزارت خارجه و وزارت انرژی روسیه به آقای یلتسین فشار آوردند. علت اصلی فشار وزارت انرژی روسیه این بود که در سال ۱۹۹۴ قراردادی به نام قرارداد قرن بین حیدر علی‌اف و رئیس بی‌بی امضا شد. با این قرارداد بی‌بی در جمهوری آذربایجان فعال شد و سه حوزه نفتی مهم که از دوره اتحاد شوروی نفت صادر می‌کردند به نام‌های آذری، چراغ و گونشلی را دوباره توسعه داد و حدود ۱۰ میلیارد دلار هزینه کرد. مجدداً یک‌بار دیگر ۱۵ میلیارد دلار هزینه کرد و اخیراً ۴۰ میلیارد دلار و تا سال ۲۰۲۴ بی‌بی در جمهوری آذربایجان حدود ۱۳۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری می‌کند. این نشان می‌دهد که چقدر این سه حوزه پربازده‌اند.

● **میزان استخراج نفت برای آنها هم همین‌قدر گران تمام می‌شود که گفتید برای ما در خزر؟**
بله، اما این بستگی به قیمت نفت دارد. در دوره‌ای که بی‌بی این کار را کرد، قیمت نفت ۱۴۰ دلار بود. الان هم که قیمت هر بشکه نفت برنت ۷۰ دلار است، هنوز صرف دارد. اما اگر قیمت به ۲۵ دلار برسد، کسی آن‌قدر هزینه نمی‌کند. از این بدتر در شمال دریای خزر در کاشیغان تاکنون ۴۰ میلیارد دلار خرج شده و تولید هنوز از ۲۰۰ هزار بشکه در روز بالاتر نرفته است. درحالی‌که آنها ادعا می‌کردند می‌توانند در روز یک میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه نفت تولید کنند. به‌رحال وزارت انرژی روسیه به آقای یلتسین می‌گفت در جمهوری آذربایجان که از ضعیف‌ترین جمهوری‌های اتحاد شوروی بوده، در یک مورد ۱۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری شده است، ولی وقتی ما به غربی‌ها می‌گویم بایاید در روسیه سرمایه‌گذاری کنید، می‌گویند تا مسائل حقوقی‌تان را حل نکنید ما نمی‌آیم. از همین‌رو آنها به سمت تقسیم خزر رفتند.

از سال ۱۹۹۷ که آقای خامنی و آقای یلتسین روی کار بودند، آنها به بحث تقسیم پرداختند. حتی توافقی بین آقای سمردی، معاون وزیر خارجه وقت ایران و معاون وزیر خارجه روسیه برقرار شد که سهم ایران و بقیه هرکدام ۲۰ درصد باشد.
● **آنها در دوره سال‌های اصلاحات انجام گرفت، اما چرا با برجا نماند؟**
آقای علی‌اف، رئیس جمهور آذربایجان و قزاقستان معترض نشدند. آنها می‌گفتند بعضی کشورها ساحل بیشتری دارند، برخی ساحل کمتری، پس این ۲۰ درصد از کجا آمده است. آن‌قدر فشار وارد کردند که آقای پریماکوف در روسیه به عنوان نخست‌وزیر، وقتی سرکار آمد گفت همان قاعده مشاع باشد، ولی بستر دریا و استفاده از منابع نفت و گاز دریای خزر مطابق رژیم حقوقی تقسیم بر اساس خط منصف باشد که سهم ایران ۱۳/۶ درصد است که شامل سطح آب دریا، کشتی‌رانی، محیط زیست و فضای ماورا دریای خزر و ماهیگیری می‌شود که می‌گویند مشاع باشد، چون روسیه همیشه مایل به دسترسی نظامی به جنوب دریای خزر بود، به‌خاطر دسترسی راحت‌تر به روس‌هایی که در ازبکستان و تاجیکستان یا ارمنستان حضور دارند. همچنان روسیه نگران ارمنستان است که در فشار بین جمهوری آذربایجان و ترکیه اتفاقی بیفتد. بنابراین رژیم خزر در دوره آقای پریماکوف دوتایی شد: در سطح، تقسیم و در بستر، مشاع. در دولت بعد، برای آقای احمدی‌نژاد خیلی مهم بود که آقای پوتین یک جلسه به ایران بیاید. وقتی آقای پوتین برای شرکت در اجلاس رؤسای دریای خزر به ایران آمد، در نتیجه نهایی نوشته شد رژیم حقوقی دریای خزر مبنی‌بر مشاع است، ولی در بستر تقسیم می‌شود. که آقای احمدی‌نژاد این بند را قبول کرد و در جلسه‌ای که آقای نظربایف گفت که رژیم مشترک ۱۹۲۱ و ۱۹۴۱ مرده، آقای احمدی‌نژاد جوابی نداد، اما یک هفته بعد به وزارت خارجه نوشت که از نظر ما رژیم مشترک ملاک است.

● **شما در بخشی از صحبت‌هایتان از تفاوت جریان مردم در دریا با دریاچه صحبت کردید. یعنی در این ۲۰ سال مذاکره، تکلیف این موضوع مشخص نشده است؟**
نه. هنوز مشخص نشده است و هرکسی براساس نفع رژیم خودش آن را دریا یا دریاچه می‌داند.
● **روسیه در این بین خیلی تأثیرگذار است، با توجه به اینکه می‌تواند با بقیه همسایگان زدنند و روی دیگران تأثیر بگذارد و جریان سهم را تغییر دهد. نقش روسیه را در این بین چگونه می‌بینید؟**
چند نکته را باید بگویم، اول اینکه تردیدی نیست که روسیه کشور بزرگی است اما روسیه در اینجا فعال مایشاء نیست. البته این امتیاز را دارد که چون کشورهای جدید از این دریا استفاده می‌کنند، ممکن است پهنوعی به روسیه هم‌نظر باشند. اما واقعیت این است که روابط روسیه با ما، شاید بهتر از روابط روسیه با سایر کشورهای دریای خزر باشد. البته این به آن معنا نیست که روسیه آنجا نفوذ ندارد و نمی‌تواند کاری بکند. این به آن معناست که روابط ایران و روسیه به دلائلی دیگر بسیار نزدیک است. دوم اینکه فکر می‌کنم بر خلاف جنوب کشور و در خلیج فارس که باید هرچه بیشتر به کارهای‌مان سرعت ببخشیم و خروج نیروهای نظامی غربی از آنجا به نفع ماست، گرچه در شمال هم این توافق باید انجام شود، ولی این چنین نیست که اگر این توافق امسال انجام نشود و سال بعد انجام شود، ایران متضرر می‌شود.

● **ادامه از صفحه ۱۵**

آرزویی که اگر در مجالی تحقق می‌یافت، صدای تشنگی انبوه بیشتری از مردم خود را تا بی‌کرانه‌ها می‌شنیدیم. اکنون روی سخن با تمامی مردم کشور است از صدر مدیران تا آتانی که حتی به جرمه‌ای آب، لب از شکوه و گلایه فرومی‌بندد. لطفاً و بیش از این در انتظار شنیدن صدای این بحران حتی با چندین بارزدگی پیش‌رو نباشیم. بحران اینک با تمام قاشش در خانه همه ما سکنی گزیده است. خشک‌سالی از جنس زلزله و سیل و توفان نیست؛ این بحران در روند افزایش تدریجی خود بر ناتوانی در پیشگیری‌ها می‌افزاید. سیاست مدیران و مطالبات مردم از این پس باید در فوریتی بحران حتی با چندین بارزدگی پیش‌رو نباشیم. بحران اینک با تمام قاشش در خانه همه ما سکنی گزیده است. خشک‌سالی از جنس زلزله و سیل و توفان نیست؛ این بحران در روند افزایش تدریجی خود بر ناتوانی در پیشگیری‌ها می‌افزاید. سیاست مدیران و مطالبات مردم از این پس باید در فوریتی بحران حتی با چندین بارزدگی پیش‌رو نباشیم. بحران اینک با تمام قاشش در خانه همه ما سکنی گزیده است. خشک‌سالی از جنس زلزله و سیل و توفان نیست؛ این بحران در روند افزایش تدریجی خود بر ناتوانی در پیشگیری‌ها می‌افزاید. سیاست مدیران و مطالبات مردم از این پس باید در فوریتی بحران حتی با چندین بارزدگی پیش‌رو نباشیم. بحران اینک با تمام قاشش در خانه همه ما سکنی گزیده است. خشک‌سالی از جنس زلزله و سیل و توفان نیست؛ این بحران در روند افزایش تدریجی خود بر ناتوانی در پیشگیری‌ها می‌افزاید. سیاست مدیران و مطالبات مردم از این پس باید در فوریتی بحران حتی با چندین بارزدگی پیش‌رو نباشیم. بحران اینک با تمام قاشش در خانه همه ما سکنی گزیده است. خشک‌سالی از جنس زلزله و سیل و توفان نیست؛ این بحران در روند افزایش تدریجی خود بر ناتوانی در پیشگیری‌ها می‌افزاید. سیاست مدیران و مطالبات مردم از این پس باید در فوریتی بحران حتی با چندین بارزدگی پیش‌رو نباشیم. بحران اینک با تمام قاشش در خانه همه ما سکنی گزیده است. خشک‌سالی از جنس زلزله و سیل و توفان نیست؛ این بحران در روند افزایش تدریجی خود بر ناتوانی در پیشگیری‌ها می‌افزاید. سیاست مدیران و مطالبات مردم از این پس باید در فوریتی بحران حتی با چندین بارزدگی پیش‌رو نباشیم. بحران اینک با تمام قاشش در خانه همه ما سکنی گزیده است. خشک‌سالی از جنس زلزله و سیل و توفان نیست؛ این بحران در روند افزایش تدریجی خود بر ناتوانی در پیشگیری‌ها می‌افزاید. سیاست مدیران و مطالبات مردم از این پس باید در فوریتی بحران حتی با چندین بارزدگی پیش‌رو نباشیم. بحران اینک با تمام قاشش در خانه همه ما سکنی گزیده است. خشک‌سالی از جنس زلزله و سیل و توفان نیست؛ این بحران در روند افزایش تدریجی خود بر ناتوانی در پیشگیری‌ها می‌افزاید. سیاست مدیران و مطالبات مردم از این پس باید در فوریتی بحران حتی با چندین بارزدگی پیش‌رو نباشیم. بحران اینک با تمام قاشش در خانه همه ما سکنی گزیده است. خشک‌سالی از جنس زلزله و سیل و توفان نیست؛ این بحران در روند افزایش تدریجی خود بر ناتوانی در پیشگیری‌ها می‌افزاید. سیاست مدیران و مطالبات مردم از این پس باید در فوریتی بحران حتی با چندین بارزدگی پیش‌رو نباشیم. بحران اینک با تمام قاشش در خانه همه ما سکنی گزیده است. خشک‌سالی از جنس زلزله و سیل و توفان نیست؛ این بحران در روند افزایش تدریجی خود بر ناتوانی در پیشگیری‌ها می‌افزاید. سیاست مدیران و مطالبات مردم از این پس باید در فوریتی بحران حتی با چندین بارزدگی پیش‌رو نباشیم. بحران اینک با تمام قاشش در خانه همه ما سکنی گزیده است. خشک‌سالی از جنس زلزله و سیل و توفان نیست؛ این بحران در روند افزایش تدریجی خود بر ناتوانی در پیشگیری‌ها می‌افزاید. سیاست مدیران و مطالبات مردم از این پس باید در فوریتی بحران حتی با چندین بارزدگی پیش‌رو نباشیم. بحران اینک با تمام قاشش در خانه همه ما سکنی گزیده است. خشک‌سالی از جنس زلزله و سیل و توفان نیست؛ این بحران در روند افزایش تدریجی خود بر ناتوانی در پیشگیری‌ها می‌افزاید. سیاست مدیران و مطالبات مردم از این پس باید در فوریتی بحران حتی با چندین بارزدگی پیش‌رو نباشیم. بحران اینک با تمام قاشش در خانه همه ما سکنی گزیده است. خشک‌سالی از جنس زلزله و سیل و توفان نیست؛ این بحران در روند افزایش تدریجی خود بر ناتوانی در پیشگیری‌ها می‌افزاید. سیاست مدیران و مطالبات مردم از این پس باید در فوریتی بحران حتی با چندین بارزدگی پیش‌رو نباشیم. بحران اینک با تمام قاشش در خانه همه ما سکنی گزیده است. خشک‌سالی از جنس زلزله و سیل و توفان نیست؛ این بحران در روند افزایش تدریجی خود بر ناتوانی در پیشگیری‌ها می‌افزاید. سیاست مدیران و مطالبات مردم از این پس باید در فوریتی بحران حتی با چندین بارزدگی پیش‌رو نباشیم. بحران اینک با تمام قاشش در خانه همه ما سکنی گزیده است. خشک‌سالی از جنس زلزله و سیل و توفان نیست؛ این بحران در روند افزایش تدریجی خود بر ناتوانی در پیشگیری‌ها می‌افزاید. سیاست مدیران و مطالبات مردم از این پس باید در فوریتی بحران حتی با چندین بارزدگی پیش‌رو نباشیم. بحران اینک با تمام قاشش در خانه همه ما سکنی گزیده است. خشک‌سالی از جنس زلزله و سیل و توفان نیست؛ این بحران در روند افزایش تدریجی خود بر ناتوانی در پیشگیری‌ها می‌افزاید. سیاست مدیران و مطالبات مردم از این پس باید در فوریتی بحران حتی با چندین بارزدگی پیش‌رو نباشیم. بحران اینک با تمام قاشش در خانه همه ما سکنی گزیده است. خشک‌سالی از جنس زلزله و سیل و توفان نیست؛ این بحران در روند افزایش تدریجی خود بر ناتوانی در پیشگیری‌ها می‌افزاید. سیاست مدیران و مطالبات مردم از این پس باید در فوریتی بحران حتی با چندین بارزدگی پیش‌رو نباشیم. بحران اینک با تمام قاشش در خانه همه ما سکنی گزیده است. خشک‌سالی از جنس زلزله و سیل و توفان نیست؛ این بحران در روند افزایش تدریجی خود بر ناتوانی در پیشگیری‌ها می‌افزاید. سیاست مدیران و مطالبات مردم از این پس باید در فوریتی بحران حتی با چندین بارزدگی پیش‌رو نباشیم. بحران اینک با تمام قاشش در خانه همه ما سکنی گزیده است. خشک‌سالی از جنس زلزله و سیل و توفان نیست؛ این بحران در روند افزایش تدریجی خود بر ناتوانی در پیشگیری‌ها می‌افزاید. سیاست مدیران و مطالبات مردم از این پس باید در فوریتی بحران حتی با چندین بارزدگی پیش‌رو نباشیم. بحران اینک با تمام قاشش در خانه همه ما سکنی گزیده است. خشک‌سالی از جنس زلزله و سیل و توفان نیست؛ این بحران در روند افزایش تدریجی خود بر ناتوانی در پیشگیری‌ها می‌افزاید. سیاست مدیران و مطالبات مردم از این پس باید در فوریتی بحران حتی با چندین بارزدگی پیش‌رو نباشیم. بحران اینک با تمام قاشش در خانه همه ما سکنی گزیده است. خشک‌سالی از جنس زلزله و سیل و توفان نیست؛ این بحران در روند افزایش تدریجی خود بر ناتوانی در پیشگیری‌ها می‌افزاید. سیاست مدیران و مطالبات مردم از این پس باید در فوریتی بحران حتی با چندین بارزدگی پیش‌رو نباشیم. بحران اینک با تمام قاشش در خانه همه ما سکنی گزیده است. خشک‌سالی از جنس زلزله و سیل و توفان نیست؛ این بحران در روند افزایش تدریجی خود بر ناتوانی در پیشگیری‌ها می‌افزاید. سیاست مدیران و مطالبات مردم از این پس باید در فوریتی بحران حتی با چندین بارزدگی پیش‌رو نباشیم. بحران اینک با تمام قاشش در خانه همه ما سکنی گزیده است. خشک‌سالی از جنس زلزله و سیل و توفان نیست؛ این بحران در روند افزایش تدریجی خود بر ناتوانی در پیشگیری‌ها می‌افزاید. سیاست مدیران و مطالبات مردم از این پس باید در فوریتی بحران حتی با چندین بارزدگی پیش‌رو نباشیم. بحران اینک با تمام قاشش در خانه همه ما سکنی گزیده است. خشک‌سالی از جنس زلزله و سیل و توفان نیست؛ این بحران در روند افزایش تدریجی خود بر ناتوانی در پیشگیری‌ها می‌افزاید. سیاست مدیران و مطالبات مردم از این پس باید در فوریتی بحران حتی با چندین بارزدگی پیش‌رو نباشیم. بحران اینک با تمام قاشش در خانه همه ما سکنی گزیده است. خشک‌سالی از جنس زلزله و سیل و توفان نیست؛ این بحران در روند افزایش تدریجی خود بر ناتوانی در پیشگیری‌ها می‌افزاید. سیاست مدیران و مطالبات مردم از این پس باید در فوریتی بحران حتی با چندین بارزدگی پیش‌رو نباشیم. بحران اینک با تمام قاشش در خانه همه ما سکنی گزیده است. خشک‌سالی از جنس زلزله و سیل و توفان نیست؛ این بحران در روند افزایش تدریجی خود بر ناتوانی در پیشگیری‌ها می‌افزاید. سیاست مدیران و مطالبات مردم از این پس باید در فوریتی بحران حتی با چندین بارزدگی پیش‌رو نباشیم. بحران اینک با تمام قاشش در خانه همه ما سکنی گزیده است. خشک‌سالی از جنس زلزله و سیل و توفان نیست؛ این بحران در روند افزایش تدریجی خود بر ناتوانی در پیشگیری‌ها می‌افزاید. سیاست مدیران و مطالبات مردم از این پس باید در فوریتی بحران حتی با چندین بارزدگی پیش‌رو نباشیم. بحران اینک با تمام قاشش در خانه همه ما سکنی گزیده است. خشک‌سالی از جنس زلزله و سیل و توفان نیست؛ این بحران در روند افزایش تدریجی خود بر ناتوانی در پیشگیری‌ها می‌افزاید. سیاست مدیران و مطالبات مردم از این پس باید در فوریتی بحران حتی با چندین بارزدگی پیش‌رو نباشیم. بحران اینک با تمام قاشش در خانه همه ما سکنی گزیده است. خشک‌سالی از جنس زلزله و سیل و توفان نیست؛ این بحران در روند افزایش تدریجی خود بر ناتوانی در پیشگیری‌ها می‌افزاید. سیاست مدیران و مطالبات مردم از این پس باید در فوریتی بحران حتی با چندین بارزدگی پیش‌رو نباشیم. بحران اینک با تمام قاشش در خانه همه ما سکنی گزیده است. خشک‌سالی از جنس زلزله و سیل و توفان نیست؛ این بحران در روند افزایش تدریجی خود بر ناتوانی در پیشگیری‌ها می‌افزاید. سیاست مدیران و مطالبات مردم از این پس باید در فوریتی بحران حتی با چندین بارزدگی پیش‌رو نباشیم. بحران اینک با تمام قاشش در خانه همه ما سکنی گزیده است. خشک‌سالی از جنس زلزله و سیل و توفان نیست؛ این بحران در روند افزایش تدریجی خود بر ناتوانی در پیشگیری‌ها می‌افزاید. سیاست مدیران و مطالبات مردم از این پس باید در فوریتی بحران حتی با چندین بارزدگی پیش‌رو نباشیم. بحران اینک با تمام قاشش در خانه همه ما سکنی گزیده است. خشک‌سالی از جنس زلزله و سیل و توفان نیست؛ این بحران در روند افزایش تدریجی خود بر ناتوانی در پیشگیری‌ها می‌افزاید. سیاست مدیران و مطالبات مردم از این پس باید در فوریتی بحران حتی با چندین بارزدگی پیش‌رو نباشیم. بحران اینک با تمام قاشش در خانه همه ما سکنی گزیده است. خشک‌سالی از جنس زلزله و سیل و توفان نیست؛ این بحران در روند افزایش تدریجی خود بر ناتوانی در پیشگیری‌ها می‌افزاید. سیاست مدیران و مطالبات مردم از این پس باید در فوریتی بحران حتی با چندین بارزدگی پیش‌رو نباشیم. بحران اینک با تمام قاشش در خانه همه ما سکنی گزیده است. خشک‌سالی از جنس زلزله و سیل و توفان نیست؛ این بحران در روند افزایش تدریجی خود بر ناتوانی در پیشگیری‌ها می‌افزاید. سیاست مدیران و مطالبات مردم از این پس باید در فوریتی بحران حتی با چندین بارزدگی پیش‌رو نباشیم. بحران اینک با تمام قاشش در خانه همه ما سکنی گزیده است. خشک‌سالی از جنس زلزله و سیل و توفان نیست؛ این بحران در روند افزایش تدریجی خود بر ناتوانی در پیشگیری‌ها می‌افزاید. سیاست مدیران و مطالبات مردم از این پس باید در فوریتی بحران حتی با چندین بارزدگی پیش‌رو نباشیم. بحران اینک با تمام قاشش در خانه همه ما سکنی گزیده است. خشک‌سالی از جنس زلزله و سیل و توفان نیست؛ این بحران در روند افزایش تدریجی خود بر ناتوانی در پیشگیری‌ها می‌افزاید. سیاست مدیران و مطالبات مردم از این پس باید در فوریتی بحران حتی با چندین بارزدگی پیش‌رو نباشیم. بحران اینک با تمام قاشش در خانه همه ما سکنی گزیده است. خشک‌سالی از جنس زلزله و سیل و توفان نیست؛ این بحران در روند افزایش تدریجی خود بر ناتوانی در پیشگیری‌ها می‌افزاید. سیاست مدیران و مطالبات مردم از این پس باید در فوریتی بحران حتی با چندین بارزدگی پیش‌رو نباشیم. بحران اینک با تمام قاشش در خانه همه ما سکنی گزیده است. خشک‌سالی از جنس زلزله و سیل و توفان نیست؛ این بحران در روند افزایش تدریجی خود بر ناتوانی در پیشگیری‌ها می‌افزاید. سیاست مدیران و مطالبات مردم از این پس باید در فوریتی بحران حتی با چندین بارزدگی پیش‌رو نباشیم. بحران اینک با تمام قاشش در خانه همه ما سکنی گزیده است. خشک‌سالی از جنس زلزله و سیل و توفان نیست؛ این بحران در روند افزایش تدریجی خود بر ناتوانی در پیشگیری‌ها می‌افزاید. سیاست مدیران و مطالبات مردم از این پس باید در فوریتی بحران حتی با چندین بارزدگی پیش‌رو نباشیم. بحران اینک با تمام قاشش در خانه همه ما سکنی گزیده است. خشک‌سالی از جنس زلزله و سیل و توفان نیست؛ این بحران در روند افزایش تدریجی خود بر ناتوانی در پیشگیری‌ها می‌افزاید. سیاست مدیران و مطالبات مردم از این پس باید در فوریتی بحران حتی با چندین بارزدگی پیش‌رو نباشیم. بحران اینک با تمام قاشش در خانه همه ما سکنی گزیده است. خشک‌سالی از جنس زلزله و سیل و توفان نیست؛ این بحران در روند افزایش تدریجی خود بر ناتوانی در پیشگیری‌ها می‌افزاید. سیاست مدیران و مطالبات مردم از این پس باید در فوریتی بحران حتی با چندین بارزدگی پیش‌رو نباشیم. بحران اینک با تمام قاشش در خانه همه ما سکنی گزیده است. خشک‌سالی از جنس زلزله و سیل و توفان نیست؛ این بحران در روند افزایش تدریجی خود بر ناتوانی در پیشگیری‌ها می‌افزاید. سیاست مدیران و مطالبات مردم از این پس باید در فوریتی بحران حتی با چندین بارزدگی پیش‌رو نباشیم. بحران اینک با تمام قاشش در خانه همه ما سکنی گزیده است. خشک‌سالی از جنس زلزله و سیل و توفان نیست؛ این بحران در روند افزایش تدریجی خود بر ناتوانی در پیشگیری‌ها می‌افزاید. سیاست مدیران و مطالبات مردم از این پس باید در فوریتی بحران حتی با چندین بارزدگی پیش‌رو نباشیم. بحران اینک با تمام قاشش در خانه همه ما سکنی گزیده است. خشک‌سالی از جنس زلزله و سیل و توفان نیست؛ این بحران در روند افزایش تدریجی خود بر ناتوانی در پیشگیری‌ها می‌افزاید. سیاست مدیران و مطالبات مردم از این پس باید در فوریتی بحران حتی با چندین بارزدگی پیش‌رو نباشیم. بحران اینک با تمام قاشش در خانه همه ما سکنی گزیده است. خشک‌سالی از جنس زلزله و سیل و توفان نیست؛ این بحران در روند افزایش تدریجی خود بر ناتوانی در پیشگیری‌ها می‌افزاید. سیاست مدیران و مطالبات مردم از این پس باید در فوریتی بحران حتی با چندین بارزدگی پیش‌رو نباشیم. بحران اینک با تمام قاشش در خانه همه ما سکنی گزیده است. خشک‌سالی از جنس زلزله و سیل و توفان نیست؛ این بحران در روند افزایش تدریجی خود بر ناتوانی در پیشگیری‌ها می‌افزاید. سیاست مدیران و مطالبات مردم از این پس باید در فوریتی بحران حتی با چندین بارزدگی پیش‌رو نباشیم. بحران اینک با تمام قاشش در خانه همه ما سکنی گزیده است. خشک‌سالی از جنس زلزله و سیل و توفان نیست؛ این بحران در روند افزایش تدریجی خود بر ناتوانی در پیشگیری‌ها می‌افزاید. سیاست مدیران و مطالبات مردم از این پس باید در فوریتی بحران حتی با چندین بارزدگی پیش‌رو نباشیم. بحران اینک با تمام قاشش در خانه همه ما سکنی گزیده است. خشک‌سالی از جنس زلزله و سیل و توفان نیست؛ این بحران در روند افزایش تدریجی خود بر ناتوانی در پیشگیری‌ها می‌افزاید. سیاست مدیران و مطالبات مردم از این پس باید در فوریتی بحران حتی با چندین بارزدگی پیش‌رو نباشیم. بحران اینک با تمام قاشش در خانه همه ما سکنی گزیده است. خشک‌سالی از جنس زلزله و سیل و توفان نیست؛ این بحران در روند افزایش تدریجی خود بر ناتوانی در پیشگیری‌ها می‌افزاید. سیاست مدیران و مطالبات مردم از این پس باید در فوریتی بحران حتی با چندین بارزدگی پیش‌رو نباشیم. بحران اینک با تمام قاشش در خانه همه ما سکنی گزیده است. خشک‌سالی از جنس زلزله و سیل و توفان نیست؛ این بحران در روند افزایش تدریجی خود بر ناتوانی در پیشگیری‌ها می‌افزاید. سیاست